

گزارش راهبردی وضعیت اقتصاد ایران

(تحلیل شاخص شامخ فروردین ۱۴۰۵ در فاز رکود تورمی عمیق)

۱. خلاصه مدیریتی

اقتصاد ایران در فروردین ماه ۱۴۰۵، تحت تأثیر هم‌زمانی بحران‌های ساختاری مزمن و شوک ناشی از جنگ تحمیلی، یکی از سخت‌ترین دوران‌های خود را تجربه می‌کند. شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد با ثبت عدد ۳۸.۵ (تعدیل فصلی شده) نشان‌دهنده انقباض شدید فعالیت‌ها و ورود به فاز رکود تورمی عمیق است. اگرچه شدت کاهش نسبت به اسفندماه اندکی تعدیل شده، اما استقرار شاخص در سطوح بسیار پایین‌تر از مرز ۵۰، هشداردهنده رکودی گسترده در تمامی بخش‌های تولیدی و خدماتی است.

۲. تحلیل وضعیت اقتصاد کلان

برای فعالان اقتصادی، عدد ۵۰ مرز میان رونق و رکود است. هر رقمی زیر ۵۰ نشان‌دهنده انقباض (رکود) و بالای آن نشان‌دهنده انبساط (رونق) نسبت به ماه قبل است. شامخ کل اقتصاد (تعدیل فصلی شده) معادل ۳۸.۵ برآورد شده است و کمترین میزان (بعد از اسفند ۱۴۰۴ معادل ۲۴.۹) در تاریخ این نظرسنجی است. سیگنال کلیدی: افت هم‌زمان هر ۵ مؤلفه اصلی شامل تولید، سفارشات، اشتغال، سرعت تحویل و موجودی مواد اولیه، نشان‌دهنده یک رکود ناشی از شوک است که هم سمت عرضه و هم سمت تقاضا را فلج کرده است. تورم نهاده‌ها: شاخص قیمت مواد اولیه به عدد ۹۰.۵ رسیده که بالاترین سطح در ۴۷ ماهه اخیر است، یعنی فعالان اقتصادی با جهش بی‌سابقه هزینه‌ها مواجه‌اند که در ماه‌های آتی به قیمت فروش منتقل خواهد شد.

۳. تحلیل وضعیت بخش صنعت؛ بحران در قلب تولید

وضعیت در بخش صنعت به مراتب نگران‌کننده‌تر از کل اقتصاد است. شاخص مدیران خرید صنعت به عدد ۳۷.۴ (تعدیل فصلی شده) رسیده است. مقدار تولید محصولات (۳۸.۶): اکثر واحدهای صنعتی با توقف یا فعالیت در حداقل ظرفیت مواجه شده‌اند. صنایعی مانند پوشاک و چرم، صنایع شیمیایی و فلزی کمترین میزان تولید را داشته‌اند.

میزان سفارشات جدید (۳۷.۴): سقوط تقاضای داخلی به دلیل کاهش قدرت خرید و نااطمینانی ناشی از جنگ، انبارها را از محصولات فروش نرفته پر کرده است.

موجودی مواد اولیه (۳۲.۶): این شاخص به کمترین سطح تاریخی ۸ ساله رسیده که نشان دهنده بحران عمیق در زنجیره تأمین و اختلال در واردات است.

استخدام و نیروی انسانی (۳۶.۸): یازدهمین ماه متوالی انقباض اشتغال، بیانگر موج گسترده تعدیل نیرو در بخش خصوصی برای بقای بنگاه‌هاست.

۴. تأثیرات مستقیم جنگ و تنش‌های ژئوپلیتیک

گزارش فروردین ۱۴۰۵ صراحتاً وضعیت را تحت تأثیر جنگ تحمیلی ۴۰ روزه می‌داند. اثرات عملیاتی این جنگ بر کسب و کارها عبارتند از:

قطعی اینترنت بین‌الملل: منجر به توقف فعالیت‌های وابسته به فضای مجازی، دشواری تجارت خارجی، نقل و انتقال پول و اختلال در ثبت سفارشات ارزی و بانکی شده است.

اختلال در لجستیک: آسیب به زیرساخت‌ها و ناامنی مسیرها، صادرات کالا و خدمات را به کمترین مقدار تاریخی خود رسانده است.

جهش نرخ ارز و نااطمینانی: عدم امکان پیش‌بینی شرایط باعث شده مشتریان خریدهای خود را به تعویق بیندازند و بنگاه‌ها از برنامه‌ریزی میان‌مدت ناتوان شوند.

۵. پیشنهادات کاربردی برای فعالان اقتصادی

بر اساس تجربیات جهانی و تحلیل منابع معتبر، فعالان اقتصادی باید از این گزارش برای تصمیم‌سازی در ۳ حوزه استفاده کنند:

مدیریت زنجیره تأمین: با توجه به شاخص ۳۲.۶ موجودی مواد اولیه و ۹۰.۵ قیمت نهاده‌ها، خرید استراتژیک مواد اولیه پیش از موج بعدی تورم و کمبود، حیاتی است.

سیاست‌های فروش و قیمت‌گذاری: با توجه به شاخص ۳۲.۲ انتظارات تولید، بنگاه‌ها باید مدل‌های فروش نقدی یا کوتاه مدت را جایگزین فروش‌های اعتباری کنند تا ریسک نقدینگی ناشی از مطالبات معوق کاهش یابد.

مدیریت منابع انسانی: کاهش شاخص اشتغال به ۳۶.۸ نشان می‌دهد حفظ نیروهای کلیدی در شرایط فعلی دشوار اما برای دوران پس از جنگ ضروری است. بنگاه‌ها باید به سمت بهینه‌سازی هزینه‌های انسانی حرکت کنند.

۶. مقایسه بین‌المللی ایران در مقابل جهان و رقبا (آوریل ۲۰۲۶)

در حالی که ایران درگیر رکود عمیق (۳۸.۵) است، وضعیت جهانی برخی از کشورها نشانه‌هایی از بهبود خفیف را نشان می‌دهد:

کشور / منطقه	شاخص PMI (آوریل ۲۰۲۶)	وضعیت نسبت به ایران
ایران (کل اقتصاد)	۳۸.۵	رکود عمیق و بحرانی
هند	۵۵.۹	رشد قدرتمند
چین	۵۲.۲	در محدوده توسعه و رونق
روسیه	۵۱.۵	رشد خفیف علی‌رغم شرایط مشابه تحریمی
ترکیه (صنعت)	۵۱.۶	حفظ وضعیت رونق نسبی
برزیل	۵۴.۹	رشد مطلوب
منطقه یورو	زیر ۵۰	ورود به انقباض اما با شدتی بسیار کمتر از ایران

در حالی که میانگین تولید جهانی به عدد ۵۱.۸ رسیده، فاصله زیاد ایران با کشورهای در حال توسعه (مانند هند و برزیل) نشان می‌دهد که شوک جنگ در کنار ضعف‌های ساختاری، ایران را در یک انزوای اقتصادی و رکودی بی‌سابقه قرار داده است.

۷. روند یک‌ساله و ارزیابی مؤلفه‌های بنیادین اقتصاد (فروردین ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵)

بررسی روند یک‌ساله شاخص شامخ نشان‌دهنده گذار تدریجی اقتصاد ایران از یک ثبات شکننده در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ به سمت یک انقباض عمیق و ساختاری در آغاز سال ۱۴۰۵ است. در ماه‌های ابتدایی سال گذشته، شاخص کل اقتصاد با نوسان در محدوده مرزی ۵۰، نوعی رشد ملایم اما متأثر از فشارهای تورمی را تجربه می‌کرد. با این حال، از ابتدای فصل پاییز، ناترازی‌های انرژی و تشدید محدودیت‌های ارزی، محرک آغاز روند نزولی شاخص‌ها شدند. این فرسایش اقتصادی در نهایت با شوک‌های برونزای اواخر سال و آغاز تنش‌های فروردین ۱۴۰۵، به یک سقوط آزاد در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی منجر شد که بیانگر تخلیه هم‌زمان ناترازی‌های انباشته شده طی یک سال اخیر است.

در کالبدشکافی مؤلفه‌های اصلی، بخش صنعت بیشترین آسیب را از اختلال در زنجیره تأمین و نوسانات قیمت نهاده‌ها متحمل شده است. در حالی که تولیدکنندگان در میانه سال ۱۴۰۴ تلاش داشتند با اتکا به موجودی انبار، سطح فعالیت خود را حفظ کنند، اما شاخص «موجودی مواد اولیه» از آذرماه روند کاهشی تندی را آغاز

کرد و در نهایت به کمترین سطح تاریخی خود در فروردین ۱۴۰۵ رسید. هم‌زمان، دو مؤلفه حیاتی «میزان تولید» و «سفارشات جدید» که در نیمه اول سال وضعیت نسبتاً پایداری داشتند، با ورود به زمستان تحت تأثیر قطعی حامل‌های انرژی و سپس نااطمینانی‌های ناشی از جنگ، با افت بی‌سابقه تقاضا و توان تولید مواجه شدند. در حوزه تجارت، شاخص «میزان صادرات» که در طول سال ۱۴۰۴ به دلیل محدودیت‌های ارزی و تحریم‌ها رشدی ناچیز و ایستا داشت، در فروردین ۱۴۰۵ تحت تأثیر اختلالات لجستیکی و قطعی اینترنت بین‌الملل، به کمترین مقدار خود در تاریخ این نظرسنجی سقوط کرد. همچنین شاخص «میزان فروش» که از اواخر پاییز تحت تأثیر کاهش قدرت خرید خانوار وارد فاز انقباضی شده بود، در شروع سال جدید عملاً با یک بن‌بست معاملاتی روبرو گردید.

تحلیل نهایی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از یک رکود فرساینده در سال ۱۴۰۴ به مرحله «ایست ناگهانی» در فروردین ۱۴۰۵ رسیده است. وضعیتی که در آن تاب‌آوری تولیدکنندگان به دلیل اتمام ذخایر مواد اولیه و انسداد مسیرهای فروش به حداقل رسیده و بازسازی آن نیازمند مداخلات فوری در سطوح کلان راهبردی است.

۸. نتیجه‌گیری و چشم‌انداز: ضرورت تدوین برنامه اضطراری تاب‌آوری تولید

تحلیل جامع شامخ در فروردین ۱۴۰۵ و مطالبات صریح فعالان بخش خصوصی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران برای جلوگیری از فروپاشی زنجیره‌های ارزش، نیازمند یک مداخله گسترده و فوری از سوی دولت است. تداوم فعالیت بنگاه‌ها در شرایط کنونی بدون چتر حمایتی حاکمیت، ریسک توقف فعالیت تولیدی را به طور قابل توجهی افزایش داده است. جهت بهبود وضعیت، راهبردهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- بسته حمایت مالی و تسهیلات حاکمیتی: بنگاه‌های تولیدی برای حفظ بقای خود نیازمند تأمین فوری سرمایه در گردش و ارائه تسهیلات با نرخ بهره پایین هستند. سیاست‌گذار باید با ایجاد یک دوره تنفس اضطراری، اقداماتی نظیر تعویق پرداخت‌های بیمه و مالیات و همچنین تعویق بازپرداخت تسهیلات بانکی را در دستور کار قرار دهد تا فشار نقدینگی بر واحدهای تولیدی تعدیل شود.
- تسهیل‌گری اداری و پایداری تأمین: در وضعیت بحرانی فعلی، کاهش بروکراسی اداری و تسهیل فرآیندهای مرتبط با تولید یک ضرورت است. دولت موظف است دسترسی پایدار به مواد اولیه و ارز را تضمین نموده و از هرگونه مانع‌تراشی اداری که منجر به کندی تأمین نهاده‌ها می‌شود، پرهیز کند.
- بازآرایی راهبردی مسیرهای تجارت (لجستیک جایگزین): با توجه به اختلالات احتمالی در مرزهای سنتی، احیا و فعال‌سازی سریع گذرگاه‌های تجاری و لجستیکی در شرق و شمال شرق کشور باید به عنوان اولویت استراتژیک در نظر گرفته شود. این اقدام برای دور زدن محدودیت‌های ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیک و استمرار صادرات و واردات حیاتی است.



سخن پایانی: عبور از این پیچ تاریخی مستلزم همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی است تا اطمینان حاصل شود که حمایت‌ها صرفاً بر تقویت توان تولیدی متمرکز بوده و از شکل‌گیری رانت یا فعالیت‌های سودجویانه جلوگیری شود. این هم‌فکری راه را برای بازگشت واحدهای اقتصادی و بنگاه‌های صنعتی به شرایط عادی هموار خواهد کرد.